

**Comparative Studies  
in Jurisprudence,  
Law, and Politics**

# **Analysis of the Elements of Islamic Civilization Building in the Contemporary Era with an Emphasis on the Prophetic Biography**

1. Ehsan Mirzahosseini: PhD Student, Department of Quran and Hadith Sciences, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran
2. Seyed Hamid Hosseini\*: Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran. Email: Hoseinihamid2@gmail.com (Corresponding Author)
3. Hamed Fath Aliani: Assistant Professor, Department of Education, Malayer Branch, Islamic Azad University, Malayer, Iran

## **ABSTRACT**

This study analyzes the characteristics and elements of Islamic civilization-building with an emphasis on the biography of Prophet Muhammad (PBUH) in the contemporary era. Islamic civilization is founded on principles such as justice, ethical conduct, and rationality, aiming to create a dynamic and sustainable society that addresses both the material and spiritual needs of individuals. The findings of the research indicate that Islamic civilization, in addition to focusing on spiritual dimensions, also emphasizes scientific and economic progress and social welfare. These features distinctly differentiate Islamic civilization from others. Furthermore, recognizing the characteristics of Islamic civilization through the teachings of the Qur'an and *Nahj al-Balagha* can strengthen the development of modern Islamic civilization and promote social cohesion. This research employs a descriptive-analytical method, utilizing library and documentary sources for data collection.

**Keywords:** *Civilization, Characteristics, Prophetic Biography, Islamic Civilization Building, Qur'an, Nahj al-Balagha*

How to cite: Mirzahosseini, E., Hosseini, S. H., & Fath Aliani, H. (2024). Analysis of the Elements of Islamic Civilization Building in the Contemporary Era with an Emphasis on the Prophetic Biography. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 6(4), 149-166.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 26 September 2024  
Revise Date: 14 November 2024  
Accept Date: 27 November 2024  
Publish Date: 10 December 2024



پژوهش‌هاک تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

## بررسی عناصر تمدن سازی اسلامی در عصر حاضر با تاکید بر سیره نبوی

۱. احسان میرزا حسینی: دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران
۲. سید حمید حسینی\*: استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. پست الکترونیک: Hoseinihamid2@gmail.com (نویسنده مسئول)
۳. حامد فتحعلیانی: استادیار، گروه معارف، واحد ملایر، دانشگاه آزاد اسلامی، ملایر، ایران

### چکیده

این پژوهش به تحلیل شاخصه‌ها و عناصر تمدن‌سازی اسلامی با تأکید بر سیره پیامبر اکرم (ص) در عصر حاضر می‌پردازد. تمدن اسلامی بر پایه‌هایی مانند عدالت، اخلاق‌مداری، و خردورزی شکل گرفته و هدف نهایی آن ایجاد جامعه‌ای پویا و پایدار است که پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی افراد باشد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تمدن اسلامی علاوه بر در نظر گرفتن جنبه‌های معنوی، به پیشرفت علمی و اقتصادی و رفاه اجتماعی نیز توجه دارد و این ویژگی‌ها به طور متمایز تمدن اسلامی را از دیگر تمدن‌ها مجزا می‌کند. همچنین، بازشناسی شاخصه‌های تمدن اسلامی با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآن و نهج البلاغه می‌تواند به تقویت تمدن نوین اسلامی و انسجام اجتماعی کمک کند. این تحقیق با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات از طریق منابع کتابخانه‌ای و اسنادی تدوین شده است.

**واژگان کلیدی:** تمدن، شاخصه، سیره نبوی، تمدن سازی اسلامی، قرآن، نهج البلاغه.

نحوه استناددهی: میرزا حسینی، احسان، حسینی، سید حمید. و فتحعلیانی، حامد. (۱۴۰۳). بررسی عناصر تمدن سازی اسلامی در عصر حاضر با تاکید بر سیره نبوی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۶(۴)، ۱۶۶-۱۴۹.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۵ مهر ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۴ آبان ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۷ آذر ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲۰ آذر ۱۴۰۳



با توجه به گرایش فطری انسان به معاشرت با دیگران از یک سو و ضرورت تامین بسیاری از نیازهایش با کمک و تعامل هموعانش از سوی دیگر، روی آوردن به زندگی دسته جمعی و تشکیل جامعه به معنای ابتدایی آن از مهمترین و اساسی‌ترین برنامه‌های بشر محسوب می‌گردد و از آنجا که پس از تشکیل جامعه، تلاش برای استمرار و پایداری زندگی جمعی باعث گسترش و توسعه و گاهی تغییرات در ساختارهای آن می‌شود، به منظور جلوگیری از هم گسیختگی فرهنگی و اجتماعی و نیز ساماندهی هدفمند و ثبات قوانین و مقررات انسانی حاکم بر جوامع و همچنین برخورداری از امکانات رفاهی و فراهم نمودن آسایش بیشتر در زندگی، باید در کنار پیشرفت‌های مادی و فیزیکی به نیازهای روحی و روانی جدید انسان نیز توجه داشت و همین موضوع مهم در گذر زمان به شکل‌گیری و ایجاد تمدن‌های بشری منجر شده است. از میان تمدن‌های بشری که تا کنون شکل گرفته و هرکدام فراز و فرودهای مربوط به خود را داشته‌اند، تمدن بزرگ اسلامی، مهمترین و جامع‌ترین تمدن برخوردار از دل جامعه مسلمانان است که ریشه در تعالیم و احکام الهی داشته و هدف نهایی آن تعالی مادی و معنوی انسان و رساندن او به نهایت کمال و سعادت بشری است. در حال حاضر با توجه به گذشت سال‌ها از ظهور و گسترش اسلام و نفوذ و پیشرفت جغرافیایی آن در میان ملل دیگر و به تبع آن توسعه و پیشرفت‌های مظاهر مدنیت در جوامع اسلامی، ضرورت مراجعه به راه و روش خاتم پیامبران الهی به عنوان بنیانگذار اصلی تمدن اسلامی به منظور شناخت بهتر و دقیق‌تری از ویژگی‌ها و شاخصه‌های این تمدن بیشتر از گذشته اهمیت پیدا می‌کند. بر همین اساس در این پژوهش به بیان شاخصه‌های تمدن‌سازی در عصر حاضر با تأکید بر سیره و سنت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) پرداخته شده تا با الهام از آموزه‌ها و روش‌های ایشان در راستای شناخت و معرفی دقیق‌تری از چهره نوین تمدن اسلامی و تحکیم و گسترش پایه‌های آن قدم برداشته و همچنین با تاسی از سیره عملی آن حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) به عناصر مهم تمدن‌سازی اسلامی در عصر حاضر اشاره شده است.

#### ۱. اهمیت و ضرورت تحقیق:

برخی حکومت‌های اسلامی که خود را پیرو اسلام می‌دانند، در رقابت برای گسترش روابط و حاکمیت، برای توجیه سیاست‌های فرهنگی و سیاسی خود به قرآن و سنت پیامبر اسلام استناد می‌کنند. با این حال، رسیدن به تمدن‌سازی اسلامی و تقویت آن بدون وحدت و انسجام میان کشورهای اسلامی تقریباً غیرممکن است. لذا پژوهشی علمی و مستند که با مراجعه به قرآن و نهج البلاغه به تحلیل شاخصه‌های تمدن‌سازی اسلامی در عصر حاضر با تأکید بر سیره پیامبر اسلام پرداخته و راهکارهای عملی را ارائه دهد، ضرورت دارد. در زمینه تمدن اسلامی، اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان بر اهمیت رابطه دین و فرهنگ تأکید کرده‌اند و معتقدند که خدامداری اساس تمدن اسلامی است. فرید وجدی در کتاب خود به این نکته اشاره می‌کند که برای پیشرفت تمدن، ارکان مادی و معنوی باید هماهنگ و متوازن تکامل یابند، وگرنه تمدن به بحران خواهد خورد (Wajdi, 1940). امام خمینی (ره) نیز بر این باور است که اسلام بنیان‌گذار تمدن است و کشورهای که قوانین اسلامی را اجرا کنند، پیشرفته خواهند بود. مقام رهبری نیز در سخنرانی‌های خود راهکارهای عملی برای اعتلای تمدن اسلامی بر اساس آیات قرآن را مطرح کرده است. با وجود این، هنوز تحقیقی مستقل در این زمینه انجام نشده است و ضرورت دارد نقشه راه عملی و واحدی برای تمدن‌سازی اسلامی با توجه به سیره نبوی ارائه شود.

## ۲. معنای تمدن

تمدن از نظر لغوی عبارت از شهرنشینی، اخلاق مردم شهرنشین را پذیرفتن، از حالت خشونت و جهل به حالت معرفت و شهرنشینی انتقال یافتن و به طور خلاصه روش‌ها و اسباب شهرنشینی را اختیار کردن است (Jurr, 2000) و معادل آن در زبان انگلیسی civilization می‌باشد، اسم مصدر civiliser و به معنای «تمدن کردن» است و در اصل از واژه لاتین «civitas» که معادل واژه «poleis» به معنای شهر در زبان یونانی قدیم است، گرفته شده است. با توجه به این واژه درمی‌یابیم یونانیان با به کارگیری کلمه Poleis، شهر را به عنوان مجموعه‌ای از نهادها و روابط اجتماعی می‌دانستند که سازنده شکل برتری از زندگی است. در ادبیات فارسی، تمدن، افزون بر این مفهوم، به معنای همکاری افراد جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی و مانند آن است. همچنین به معنای «انس گرفتن با آداب و اخلاق شهریان» (Moein, 2012) آمده است. همچنین واژه «تمدن» در لغت از اصل عربی «مدینه» گرفته شده و به معنای اقامت در شهر و خو گرفتن به اخلاق مردم آن به کار رفته است (Mostafavi, 1981). در فارسی نیز به معنای شهرنشین شدن، خوی شهری برگزیدن و با اخلاق مردم شهر آشنا شدن، همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم ساختن اسباب ترقی و آسایش خود آمده (Amid, 2011). نیز دهخدا تمدن را آراسته گشتن به اخلاق اهل شهر و در آمدن از خشونت و هجمه و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت بر شمرده و به نقل از اقرب الموارد، مولد بودن را از ویژگی‌های تمدن بر شمرده است. او تمدن را به «در شهر بود باش کردن، انتظام شهر نمودن، اجتماع اهل حرفه، اقامت کردن در شهر و شهر نشینی» معنا کرده است (Dehkhoda, 1994).

تمدن در اصطلاح از نظر اکثر نویسندگان تفاوت چندانی ندارد و به طور کلی معنای آن از دیدگاه جهانی نوع خاصی از توسعه مادی و معنوی است که در جامعه یا جوامع ویژه رخ میدهد هرچند که ممکن است به لحاظ ماهیت علوم انسانی، تعریف مفاهیمی همچون (تمدن) از نقطه نظر فلاسفه و سیاستمداران و باستان شناسان و... به صورتهای مختلف و متنوعی بیان گردد و این امر موجب ایجاد ابهام‌هایی در ظاهر گردد. جرجی زیدان تمدن را عبارت از ثروت، قدرت، صنعت، تجارت، قوانین و رسومات اجتماعی و ادب و علم میدانند اما حقیقت تمدن را در راستای خوشبختی یا بدبختی و خوبی یا بدی کسانی میدانند که در زیر پرچم آن تمدن زندگی می‌کنند (Zaydan, 1993) و علامه محمد تقی جعفری (ره) تمدن را شکل هماهنگ انسانها در حیات معقول به همراه روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروهها در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسانها در همه ابعاد مثبت تعریف می‌کند (Jafari, 2019). همچنین تمدن از نظر علی اکبر ولایتی، حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی است تمدن خروج از بادیه نشینی و گام نهادن در شاهراه نهادینه شدن امور اجتماعی یا به قول ابن خلدون عمران یافتن است (Velayati, 2017). نیز ویل دورانت در تعریف تمدن می‌گوید: "تمدن به شکل کلی آن عبارت از نظم اجتماعی است که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند (Durant, 1991). به طور کلی، می‌توان گفت تمدن، مجموعه دست آوردها و اندوخته‌های مادی و معنوی بشر است؛ یعنی انسان در آغاز حرکت به سوی رشد و تعالی، هم به نیازهای زندگی مادی و جسمانی خویش و هم به نیازهای معنوی اش توجه داشته و تا حد توان کوشیده است به طور جدی، پاسخ گوی هر دو نیاز باشد و آنها را برطرف سازد که حاصل این کوشش، دست آوردها و اندوخته‌های مادی و معنوی به نام «تمدن» بوده است. پاسخ گویی به نیازهای مادی انسان را که یکی از جنبه‌های مهم تمدن است، می‌توان حاصل دست آوردها و کوشش‌های تجربی و عقلی خود وی دانست.

### ۳. عناصر تمدن سازی اسلامی در عصر حاضر

منظور از شاخصه‌های تمدن سازی اسلامی، آن ویژگی‌ها و خصوصیات است که مختص تمدن اسلامی است و در تمدن سازی اسلامی باید به آن‌ها توجه داشت، چرا که از تمدن اسلامی انتظار می‌رود آن ویژگی‌ها را داشته باشد، مانند: شاخصه اخلاق گرای، ظلم ستیزی، خدا گرای، خرد ورزی و دین مداری؛ و منظور از عناصر تمدن سازی اسلامی، برنامه‌ها و طرح‌های اولیه‌ای است که باید با الگو برداری از سیره نبوی (صلی الله علیه و آله و سلم) در جامعه به اجرا در آیند و ارکان یک تمدن، قدرت و کارایی و استحکام خود را از آن‌ها می‌گیرند و به وسیله آن عناصر است که تمدن نوین اسلامی شکل گرفته و یا تقویت می‌شود، مانند: استقلال طلبی، رفاه و آسایش، مسئولیت پذیری یا قدرت رسانه‌ای و... دین مبین اسلام با وجود درون مایه‌های ارزشمند در تمام زمینه‌های عقیدتی، اخلاقی و فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، علمی، معرفتی و هنری در اختیار بشریت قرار گرفته تا با ارائه کاملترین و جامع‌ترین برنامه‌های زندگی، متضمن خوشبختی و سعادت ابدی او باشد و محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله و سلم)، اولین مجری الهی برای پیاده سازی این برنامه‌های زندگی ساز است؛ آن حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) بر اساس درون مایه‌های ارزشمند دین اسلام باید جامعه اسلامی تشکیل دهد و در بستر این جامعه، پایه‌های تمدنی عظیم و با شکوه به نام تمدن اسلامی برای بشریت را پی ریزی نماید. با یک نگاه دقیق و عمیق به زندگی و سیره نبوی در قرآن کریم و روایات و همچنین زندگی نخبگان اسلامی، مشخص می‌گردد که دین اسلام فقط به دنبال تعیین تکلیف و صدور بایدها و نبایدها و نهایتاً وعده بهشت و جهنم نیست، بلکه مانند استثنایی است که اگر کسی با اختیار خود در محضرش حاضر شود، می‌بیند که این استاد، خود یاد می‌دهد، خود سوال طرح می‌کند، خود جواب می‌دهد، اما نهایتاً به انسان نمره می‌دهد! یعنی دین مبین اسلام با تمام محتوایش به کمک انسان آمده تا او را خوشبخت کند. بعد از دوران فرودی که تمدن بزرگ اسلامی دچار آن شد اولین کسی که توانست با اقدامات کم نظیر خود، این نوع نگاه به دین را زنده کند که دین فقط احکام عبادی نیست، بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی، مرحوم امام خمینی (ره) بود، که مقام معظم رهبری (مد ظله) در خلال سخنانش در مورد تمدن نوین اسلامی به این مطلب اشاره فرموده اند: یک تحول دیگری که امام به وجود آورد، تحول در نگاه به دین بود؛ مردم، دین را فقط وسیله‌ای برای مسائل شخصی، مسائل عبادی، حد اکثر احوال شخصی می‌دانستند، فقط برای همین مسئله‌ی نماز و روزه و فرض کنید که وظایف مالی و ازدواج و طلاق؛ در همین حدود؛ دین را، وظیفه‌ی دین و مسئولیت دین و رسالت دین را محدود به این چیزها می‌دانستند. امام برای دین، رسالت نظام‌سازی و تمدن‌سازی و جامعه‌سازی و انسان‌سازی و مانند اینها تعریف کرد؛ مردم نگاهشان به دین بکلی متحول شد (سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) مورخ ۱۳۹۹/۳/۱۴). با این نوع نگاه به دین، می‌توان بر اساس سیره نبوی (صلی الله علیه و آله و سلم) به برخی عناصر مهم تمدن سازی در عصر حاضر به شرح ذیل اشاره نمود.

#### ۱. پژوهش و تولید علم

تمدن، مفهومی جامع و پویا است که به سطح پیشرفت و توسعه جوامع در ابعاد مختلف علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اشاره دارد (Ibn Khaldun, 2019). در میان مولفه‌های متعددی که در شکل‌گیری و ارتقای تمدن نقش دارند، پژوهش و تولید علم جایگاهی ویژه و محوری دارد.

ارتباط پژوهش و تولید علم را با تمدن سازی در عصر حاضر می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

پیشرفت علمی: پژوهش و تولید علم، موتور محرکه پیشرفت علمی و نوآوری در جوامع است. تمدن‌های مترقی، همواره در عرصه‌های مختلف علمی پیشرو بوده‌اند و با تولید دانش و فناوری‌های جدید، مسیر تحولات بشری را رقم زده‌اند (Needham, 2001). حل مسائل

و ارتقای کیفیت زندگی: توسعه علم و دانش، کلید حل بسیاری از مسائل و چالش‌های جوامع بشری است. از طریق پژوهش و تولید علم، می‌توان راه‌حل‌های نوینی برای مشکلات مختلف از جمله بیماری‌ها، فقر، آلودگی محیط زیست و... یافت و کیفیت زندگی انسان‌ها را ارتقا داد (Gholami, 2011). رشد فرهنگی و اجتماعی: پژوهش و تولید علم، بستری برای رشد و توسعه فرهنگی و اجتماعی جوامع فراهم می‌کند. تمدن‌های متمدنی، همواره به دنبال ارتقای سطح آگاهی و دانش عمومی بوده‌اند و از طریق آموزش و پرورش، پژوهش و تولید علم، به غنای فرهنگ و اندیشه جوامع خود افزوده‌اند (Nasr, 2008). شاخصه‌ای از تمدن اسلامی: در تمدن اسلامی، پژوهش و تولید علم جایگاهی ویژه و مقدس دارد. از دیدگاه اسلام، علم و دانش، موهبتی الهی و ارزشمند است و کسب آن، از واجبات دینی به شمار می‌رود (Khatami, 2004). آیات و روایات: آیات و روایات متعددی در منابع اسلامی بر اهمیت علم و دانش تاکید دارند. به عنوان مثال، در قرآن کریم آمده است: "رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا" (پروردگارا، بر علم من بیفز) (طه/۱۱)، و "وَلَا تَقُولُوا إِنَّمَا أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ بَلْ اللَّهُ أَعْلَمُ" (بقره/۲۸۲) و در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: "اطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى الْوَالِدِ" (دانش را از گهواره تا گور بجوید). مبارزه با جهل و خرافه: یکی از رسالت‌های مهم تمدن اسلامی، مبارزه با جهل و خرافه و ترویج علم و دانش در میان جوامع بشری بوده است (Nasr, 2008). مبانی و ارزش‌های اسلامی: بسیاری از مبانی و ارزش‌های اسلامی، مانند توحید، عدالت، اخلاق و معنویت، با پژوهش و تولید علم در ارتباط تنگاتنگ هستند (Nasr, 2008).

مصادیق پژوهش و تولید علم در تمدن اسلامی: در تمدن اسلامی، مکاتب علمی متعددی در زمینه‌های مختلف از جمله فقه، فلسفه، کلام، نجوم، پزشکی، ریاضیات و... شکل گرفت. دانشمندان مسلمان در طول تاریخ، نقش مهمی در پیشرفت علم و دانش در جهان داشته‌اند. از جمله این دانشمندان می‌توان به ابن سینا، ابوریحان بیرونی، زکریای رازی، جابر بن حیان، خواجه نصیرالدین طوسی و... اشاره کرد. در تمدن اسلامی، مراکز علمی متعددی مانند مدارس، کتابخانه‌ها و رصدخانه‌ها تاسیس شد که به عنوان کانون‌های پژوهش و تولید علم فعالیت می‌کردند (Gholami, 2011). در نتیجه پژوهش و تولید علم، رکن بنیادی تمدن و شاخصه‌ای از تمدن اسلامی است. تمدن‌های متمدنی، همواره در عرصه‌های مختلف علمی پیشرو بوده‌اند و با تولید دانش و فناوری‌های جدید، مسیر تحولات بشری را رقم زده‌اند. در تمدن اسلامی، پژوهش و تولید علم جایگاهی ویژه و مقدس دارد و از دیدگاه اسلام، علم و دانش، موهبتی الهی و ارزشمند است. آموزش علوم روز و افزایش معرفت در جامعه یکی از مهمترین عناصری است که بر تمام ارکان تمدن تاثیر گذاشته و به آن قدرت و استحکام می‌بخشد، مخصوصا در جهان امروز که تمدن نوین اسلامی اگر بخواهد برای دنیا الگو باشد، پایه گذاری آن در تمام زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، هنری و... باید مبتنی بر علم و معرفت باشد. بنابراین یکی از عناصر مهم در جریان تمدن سازی اسلامی، بهره گیری از پژوهش و تولید علم با رویکرد معرفت دینی در همه زمینه‌ها است.

## ۲. تولید ثروت و سرمایه

تولید ثروت و سرمایه، پدیده‌ای فراگیر در تاریخ بشر است و در تمامی تمدن‌ها، به شکلی وجود داشته است. در واقع، تمدن‌ها بدون ثروت و سرمایه نمی‌توانند شکل بگیرند و به حیات خود ادامه دهند. با این حال، بین نحوه تولید ثروت و سرمایه در تمدن‌های مختلف، تفاوت‌های قابل توجهی وجود دارد. این تفاوت‌ها ناشی از عوامل مختلفی، مانند نظام‌های اقتصادی، ارزش‌های فرهنگی و باورهای مذهبی، است.

## تولید ثروت و سرمایه در تمدن اسلامی

تولید ثروت و سرمایه در تمدن اسلامی، ویژگی‌های خاص خود را دارد که آن را از سایر تمدن‌ها متمایز می‌کند. این ویژگی‌ها عبارتند از: تاکید بر اخلاق کسب و کار: در اسلام، بر رعایت اخلاق در کسب و کار تأکید زیادی شده است. مسلمانان موظف هستند که در معاملات خود صداقت داشته باشند، از رباخواری خودداری کنند و به حقوق دیگران احترام بگذارند (Tabatabai, 1999). توجه به عدالت اجتماعی: اسلام، دینی عدالت‌خواه است و به توزیع عادلانه ثروت و سرمایه در جامعه تأکید می‌کند. زکات، یکی از فروع واجب اسلام، برای تامین نیازهای فقرا و نیازمندان و همچنین ایجاد عدالت اجتماعی در جامعه وضع شده است (Motahari, 1996). نقش وقف: وقف، یکی از سنت‌های حسنه در اسلام است که در آن، فردی مال خود را به طور دائمی برای مصارف عام المنفعه، مانند ساخت مدرسه، مسجد یا بیمارستان، وقف می‌کند. وقف، نقش مهمی در ایجاد زیرساخت‌های لازم برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در تمدن اسلامی ایفا کرده است (Jafarian, 1999).

## مصادیق تولید ثروت و سرمایه در تمدن اسلامی

کشاورزی: مسلمانان در قرون وسطی، در زمینه کشاورزی پیشرفت‌های چشمگیری داشتند. آن‌ها از روش‌های نوین آبیاری و کشاورزی استفاده می‌کردند و به کشت انواع مختلف محصولات می‌پرداختند (Hosseini, 2004). تجارت: مسلمانان، تجار ماهری بودند و در سراسر جهان تجارت می‌کردند. آن‌ها جاده‌ها و مسیرهای تجاری جدیدی احداث کردند و با تمدن‌های مختلف تبادل کالا داشتند (Hosseini, 2004). صنعت: مسلمانان در زمینه‌های مختلف صنعتی، مانند نساجی، فلزکاری و شیشه‌گری، مهارت داشتند. آن‌ها از مواد اولیه باکیفیت و فناوری‌های پیشرفته برای تولید محصولات استفاده می‌کردند (Hosseini, 2004). امور مالی: مسلمانان، در زمینه امور مالی نیز پیشرفت‌های چشمگیری داشتند. آن‌ها سیستم‌های بانکی پیچیده‌ای را ابداع کردند و از ابزارهای مختلف مالی، مانند چک و سفته، استفاده می‌کردند (Hosseini, 2004). بنابراین تولید ثروت و سرمایه، پدیده‌ای حیاتی برای تمدن‌ها است. تمدن اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نبود. مسلمانان در قرون وسطی، در زمینه‌های مختلف اقتصادی پیشرفت‌های چشمگیری داشتند و از ثروت و سرمایه خود برای ساختن تمدنی قدرتمند و پویا استفاده کردند. با این حال، تولید ثروت و سرمایه در تمدن اسلامی، ویژگی‌های خاص خود را داشت که آن را از سایر تمدن‌ها متمایز می‌کرد. این ویژگی‌ها، به تمدن اسلامی هویتی منحصر به فرد می‌بخشید و آن را به الگویی برای سایر جوامع تبدیل می‌کرد.

جریان تمدن سازی اسلامی در عصر کنونی، وابسته به تولید در عرصه اقتصاد، برای ایجاد ثروت و سرمایه در جامعه است. وجود سیستم اقتصادی و سرمایه مالی در جامعه، یکی از ارکان اصلی و شاید مهمترین رکن تمدن است و پیشرفت و قدرت در ارکان دیگر تمدن و بسیاری از مسایل جامعه وابسته به وجود آن است. علاوه بر نیاز به سرمایه در مسائل کلان مانند امور صنعتی، امور دفاعی، تامین سوخت و انرژی، امور پشتیبانی، امور علمی و پزشکی و... در مسائل خردتر مانند رفع نیازهای ضروری زندگی انسان‌ها هم به وجود سرمایه و اقتصاد پیشرفته نیاز است. چنانچه نیازهای مادی و دغدغه‌های اولیه افراد جامعه تأمین نباشد، تمام نیروها بر رفع این نیازها مثل گرسنگی و مسکن و پوشاک و درمان و... متمرکز می‌شود و فرصتی باقی نمی‌ماند تا افراد به مسائل ضروری‌تر و بنیادی‌تر پرداخته و بستر پیدایش تمدن یا تکامل آن را فراهم آورند؛ به همین دلیل یکی از وظایف جوامع اسلامی و در راس آن حکومت‌های اسلامی تولید ثروت و اندوختن سرمایه اقتصادی است. به همین دلیل، برخی همچون ویل دورانت معتقدند: کشاورزی، آغاز تمدن و نقطه عطفی در پیدایش آن است (Durant, 1991).

به نظر نگارنده با وجود اهمیت توسعه مادی و اقتصادی در بحث تمدن سازی اسلامی، توسعه بدون داشتن رویکردی الهی به انسان، جامعه و طبیعت، موجب نگرش تک بعدی به واقعیت های زندگی شده و انسان را اسیر و وابسته به عالم ماده و محدود به آن می سازد، چنانکه در قرآن کریم می فرماید: «قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا»؛ می گویند: منزهی تو! برای ما شایسته نبود که غیر از تو اولیایی برگزینیم، ولی آنان و پدرانشان را از نعمت ها برخوردار نمودی تا اینکه (به جای شکر نعمت)، یاد تو را فراموش کردند و تباه و هلاک شدند (فرقان/۱۸)؛ همچنین در آیه دیگری می فرماید: «ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِمُ الْأَمْلُ فَسُوفَ يَعْلَمُونَ»؛ بگذار آن ها بخورند و بهره گیرند و آرزوها آنان را غافل سازد، ولی به زودی خواهند فهمید (الحجر/۳)؛ و در جای دیگر می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ»؛ خداوند کسانی را که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، وارد باغ هایی از بهشت می کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است، در حالی که کافران از متاع زودگذر دنیا بهره می گیرند و همچون چهارپایان می خورند و سرانجام آتش دوزخ جایگاه آنهاست (محمد/۱۲).

از یک سو توسعه مادی در اسلام، زمینه لازم را برای تحول انسان و جامعه و تمدن سازی فراهم می سازد و از این جهت مطلوب است و از سوی دیگر چهارچوب و محدوده ای دارد که باید رعایت شود، برای مثال خدا بیع را حلال نموده در حالی که ربا را حرام فرموده است. بنابراین با وجود ضرورت توسعه اقتصادی محدودیت هایی از نظر دینی و اخلاقی بر آن اعمال می شود تا آن را در مسیر صحیح قرار داده و تعدیل نماید. و این محدودیت ها به این منظور است که از سقوط ارزش های انسانی و اخلاقی و... در تمدن اسلامی جلوگیری به عمل آید، قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال یکدیگر را به باطل نخورید، مگر اینکه تجارتي با رضایت شما انجام گیرد و خودکشی نکنید! خداوند نسبت به شما مهربان است (نساء/۲۹) و نیز می فرماید: «وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَى سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي اؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ»؛ و اگر در سفر بودید و نویسنده ای نیافتید، گروگان بگیرید! و اگر به یکدیگر اطمینان داشته باشید (لازم نیست) و باید کسی که امین شمرده شده، امانت (و بدهی خود را به موقع) بپردازد و از خدایی که پروردگار اوست بپرهیزد و شهادت را کتمان نکنید و هر کس آن را کتمان کند، دلش گناهکار است و خداوند به آنچه انجام می دهید، داناست (بقره/۲۸۳) و در جای دیگری می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالِ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا»؛ کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می خورند، تنها آتش می خورند و به زودی در شعله های آتش می سوزند (نساء/۱۰) و همچنین در آیات دیگری می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ \* فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ \* وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت) خدا بپرهیزید و آنچه از (مطالبات) ربا باقی مانده رها کنید اگر ایمان دارید! \* اگر (چنین) نمی کنید، بدانید خدا و رسول او با شما پیکار خواهند کرد و اگر توبه کنید سرمایه های شما از آن شماسست، نه ستم می کنید و نه بر شما ستم وارد می شود \* و اگر (بدهکار) قدرت پرداخت نداشته باشد او را تا هنگام توانایی مهلت دهید! (و در صورتی که به راستی قدرت پرداخت را ندارد) برای خدا به او ببخشید بهتر است اگر (منافع این کار را) بدانید (بقره/۲۷۸-۲۸۰). این گونه است که اساس تمدن سازی در اسلام فقط بر بعد مادی و پیشرفت ظاهری پایه ریزی نشده، لذا پروردگار عالم قوانینی را به رسول بزرگوارش (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید تا جامعه اسلامی



با بکار بستن آن از یک سو زمینه را برای رشد و توسعه اقتصادی و تولید سرمایه فراهم نماید و از سوی دیگر از ایجاد مانع و چالش در مسیر تمدن سازی اسلامی در جامعه جلوگیری نماید.

### ۳. توسعه ی صنعت گردشگری

صنعت گردشگری، پدیده‌ای نوظهور نیست و سابقه‌ای دیرینه در تاریخ بشر دارد. در واقع، از زمانی که انسان‌ها شروع به سفر به مکان‌های مختلف برای تجارت، زیارت یا صرفاً برای تفریح کردند، گردشگری نیز شکل گرفته است. با استناد به نوشته‌های پژوهشگران می‌توان گفت که توسعه صنعت گردشگری در سایر تمدن‌های بزرگ بشری نیز از اهمیت زیادی برخوردار بوده است، مانند: یونان باستان: یونان باستان، یکی از اولین تمدن‌هایی بود که به طور گسترده از گردشگری استفاده می‌کرد. یونانیان باستان به زیارت معابد و اماکن مقدس، مانند معبد دلفی و المپیا، سفر می‌کردند. آن‌ها همچنین برای شرکت در جشنواره‌ها و مسابقات ورزشی، مانند بازی‌های المپیک، به یونان سفر می‌کردند (Herodotus of, 2004). امپراتوری روم: رومیان نیز از گردشگری به عنوان راهی برای تفریح و سرگرمی استفاده می‌کردند. آن‌ها به استراحتگاه‌های ساحلی، مانند کاپری و پمپئی، سفر می‌کردند و از حمام‌ها، آمفی‌تئاترها و سایر بناهای عمومی لذت می‌بردند (Tacitus, 2006). قرون وسطی: در قرون وسطی، گردشگری عمدتاً به زیارت اماکن مقدس مذهبی، مانند مکه، مدینه و اورشلیم، محدود می‌شد. با این حال، سفرهای تفریحی نیز به تدریج رواج یافت و زائران از مکان‌های مختلف برای دیدن مناظر و بناهای تاریخی سفر می‌کردند.

### توسعه صنعت گردشگری در تمدن اسلامی

صنعت گردشگری در تمدن اسلامی، ویژگی‌های خاص خود را داشت که آن را از سایر تمدن‌ها متمایز می‌کرد. این ویژگی‌ها عبارتند از: تاکید بر اخلاق گردشگری: در اسلام، بر رعایت اخلاق در سفر تأکید زیادی شده است. مسلمانان موظف هستند که در سفر خود به حقوق دیگران احترام بگذارند، از تخریب محیط زیست خودداری کنند و فرهنگ و آداب و رسوم جوامع میزبان را رعایت کنند (نهج البلاغه، ۱۳۷۷: ۲۰۰/۱-۲۱۰). توجه به تنوع فرهنگی: تمدن اسلامی، تمدنی با تنوع فرهنگی بالا بود و این تنوع در صنعت گردشگری آن نیز منعکس می‌شد. مسلمانان از نقاط مختلف جهان برای بازدید از مکان‌های تاریخی، مذهبی و فرهنگی به تمدن اسلامی سفر می‌کردند (Ibn Khaldun, 2019). نقش وقف: یکی از سنت‌های حسنه در اسلام است که در آن، فردی مال خود را به طور دائمی برای مصارف عام المنفعه، مانند ساخت کاروانسرا، پل و بیمارستان، وقف می‌کند. وقف، نقش مهمی در ایجاد زیرساخت‌های لازم برای توسعه صنعت گردشگری در تمدن اسلامی ایفا کرده است (Jafarian, 1999).

### مصادیق توسعه صنعت گردشگری در تمدن اسلامی

ساخت کاروانسراها: کاروانسراها، از جمله زیرساخت‌های مهمی بودند که برای توسعه صنعت گردشگری در تمدن اسلامی ساخته شدند. کاروانسراها مکان‌هایی بودند که مسافران می‌توانستند در آن‌ها استراحت کنند، غذا بخورند و اسب‌های خود را به اصطبل ببرند (Ibn Battuta, 1988). برپایی بازارها: بازارها، یکی دیگر از جاذبه‌های گردشگری در تمدن اسلامی بودند. در بازارها، انواع مختلف کالاها از سراسر جهان به فروش می‌رسید و مسافران می‌توانستند با فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف آشنا شوند (Moghadasi, 1982). توسعه اماکن مذهبی: اماکن مذهبی، مانند مساجد و حرم‌ها، از جمله مهم‌ترین جاذبه‌های گردشگری در تمدن اسلامی بودند. مسلمانان از نقاط مختلف جهان برای زیارت این اماکن مقدس به تمدن اسلامی سفر می‌کردند و این امر به رونق صنعت گردشگری در این تمدن کمک می‌کرد (Ibn Jubayr, 1988). توسعه اماکن علمی و فرهنگی: مراکز علمی و فرهنگی، مانند دانشگاه‌ها و کتابخانه‌ها، نیز از جمله جاذبه‌های گردشگری

در تمدن اسلامی بودند. دانشجویان و دانشمندان از نقاط مختلف جهان برای تحصیل و مطالعه به این مراکز سفر می‌کردند (Ibn Sina, 1999).

بنابراین صنعت گردشگری، پدیده‌ای با سابقه دیرینه در تاریخ بشر است و در تمدن‌های مختلف به اشکال مختلف وجود داشته است. توسعه صنعت گردشگری در تمدن اسلامی، ویژگی‌های خاص خود را داشت که آن را از سایر تمدن‌ها متمایز می‌کرد. این صنعت، به تنوع فرهنگی، رونق اقتصادی و صلح و دوستی بین جوامع مختلف کمک می‌کرد. همچنین، گردشگران از طریق سفر به تمدن اسلامی، با فرهنگ و تمدن این تمدن آشنا می‌شدند و این امر به تبادل فرهنگی بین تمدن‌ها کمک می‌کرد. بنابراین، توسعه صنعت گردشگری را می‌توان به عنوان یکی از شاخصه‌های مهم تمدن اسلامی دانست. تمدن باید با حرکت در بیرون از چهارچوب‌های خود، به تمدن‌های دیگر نیز توجه کرده و نقاط مثبت و سودمند آن‌ها را که با اصول ثابت خویش در تضاد نیست در نظر بگیرد. ارتباطات و تبادل اطلاعات نه تنها سبب افول تمدن نمی‌شود، بلکه زمینه را برای توسعه کمی و کیفی آن فراهم می‌سازد. پیامبر اکرم(ص) فرمود: "سَافِرُوا تَصِحُّوا وَ تَعْمُرُوا" (سفر کنید تا سلامت باشید و سود به دست آورید). این کلام، بر اهمیت جهانگردی در اسلام دلالت دارد که خود می‌تواند زمینه‌ای برای صادر نمودن فرهنگ و آداب و رسوم دینی نیز باشد و از آنجا که ساختار فیزیکی شهرها و به اصطلاح دقیق تر، معماری، از جمله نمادها و ارکان اصلی یک تمدن محسوب می‌گردد، فراهم نمودن زمینه‌های لازم و ارتقای زیرساخت‌های مناسب برای توسعه صنعت گردشگری می‌تواند در زیبا سازی و تکامل معماری و نهایتاً جذابیت آن تاثیر گذار باشد.

با توجه به اهمیت ویژه این عنصر تمدنی خصوصا در حوزه اقتصادی و فرهنگی در جهان امروز، اکثر جوامع سعی در ارتقای سطح کمی و کیفی این صنعت هستند و جامعه اسلامی هم با توجه به ظرفیت‌های موجود می‌تواند از فرایند آن در جهت تمدن سازی نوین بهره گیرد. از مهمترین آثار و فواید این صنعت برای تقویت جامعه از نظر اقتصادی و فرهنگی عبارتند از:

۱. مطرح نمودن مظاهر تمدن اسلامی و پیشرفت‌های تمدنی در سطح جهان. ۲. ارتقای امکانات رفاهی و شرایط زندگی در سطح جامعه و بکارگیری روش‌های نوین و سودمند در حوزه معماری اسلامی. ۳. نگه داری و حفظ آثار ملی و سرمایه‌های تاریخی تمدن اسلامی. ۴. رونق تجارت و ارتباطات بین المللی و ایجاد کسب و کار در جامعه که منجر به تولید ثروت و نگه داشت سرمایه در جامعه و رونق اقتصادی در جامعه اسلامی. بنابراین توسعه این صنعت در عصر حاضر که با ارزش‌های دینی و فرهنگ اسلامی در تضاد نیست و می‌تواند از عناصر مهم پیشرفت تمدنی محسوب گردد، باید بیش از گذشته مورد توجه حکومت اسلامی قرار گیرد.

#### ۴. امنیت

امنیت به معنای در امان بودن، بی‌بیمی، آسایش و بی‌هراسی (Mooin, 2012) مفهوم وسیعی است که بطور کلی به شرایطی گفته می‌شود که آرامش و آسودگی خاطر از هرگونه تجاوز و تهدید برای افراد یا جامعه در آن برقرار است و نوعی مصونیت در برابر هر تعرضی محسوب می‌گردد که افراد و جامعه می‌توانند در سایه آن به اهداف متعالی خود برسند. بدون شک، بدون امنیت نمی‌توان در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تولیدکننده بود؛ از این رو وجود امنیت همگانی، جهت کنترل هرج و مرج ضروری است. امنیت، یکی از نیازهای اساسی بشر در تمام دوران‌ها بوده است. انسان‌ها برای زندگی مسالمت‌آمیز و پیشرفت در همه زمینه‌ها، به امنیت نیاز دارند. به همین دلیل، در تمامی تمدن‌ها، به مقوله امنیت توجه ویژه‌ای شده است.

## امنیت در سایر تمدن‌ها

مصر باستان: در مصر باستان، فرعون به عنوان حافظ امنیت و نظم در جامعه شناخته می‌شد. او با استفاده از ارتش و پلیس، امنیت مردم را تامین می‌کرد و با متجاوزان به خاک مصر مقابله می‌کرد (Herodotus of, 2004). امپراتوری روم: رومیان نیز برای حفظ امنیت امپراتوری خود، از ارتش قدرتمندی استفاده می‌کردند. آن‌ها همچنین، برای ایجاد نظم و امنیت در داخل امپراتوری، قوانینی وضع کرده بودند و مجازات‌های سختی برای متخلفان در نظر گرفته بودند (Tacitus, 2006). چین باستان: در چین باستان، برای حفظ نظم و امنیت در جامعه، از فلسفه کنفوسیوس استفاده می‌شد. کنفوسیوس بر اطاعت از قوانین و احترام به مقامات تأکید می‌کرد و معتقد بود که این امر به ایجاد نظم و امنیت در جامعه کمک می‌کند (Confucius, 1996).

## امنیت در تمدن اسلامی

امنیت در تمدن اسلامی، ویژگی‌های خاص خود را دارد که آن را از سایر تمدن‌ها متمایز می‌کرد. این ویژگی‌ها عبارتند از: تأکید بر عدالت: در اسلام، بر عدالت به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان امنیت تأکید شده است. عدالت، به معنای رعایت حقوق همه افراد جامعه، بدون در نظر گرفتن مذهب، نژاد و قومیت، است. زمانی که عدالت در جامعه برقرار باشد، مردم احساس امنیت بیشتری می‌کنند و کمتر به ارتکاب جرم و جنایت تمایل پیدا می‌کنند (قرآن کریم، ۲/۲۵۷) تأکید بر نظم: در اسلام، بر نظم و انضباط به عنوان یکی دیگر از ارکان امنیت تأکید شده است. نظم و انضباط، به معنای رعایت قوانین و مقررات جامعه و خودداری از هرگونه آشوب و ناآرامی است. زمانی که نظم و انضباط در جامعه برقرار باشد، مردم احساس امنیت بیشتری می‌کنند و می‌توانند با خیالی آسوده به زندگی خود ادامه دهند (نهج البلاغه، ۱۳۷۷: ۱۵۰/۱-۱۶۰). نقش بیت المال: بیت المال، یکی از نهادهای مهم در تمدن اسلامی بود که وظیفه تامین امنیت جامعه را بر عهده داشت. بیت المال، از طریق جمع‌آوری مالیات، منابع مالی لازم برای تامین امنیت جامعه، مانند ساخت و تجهیز ارتش و پلیس، را تامین می‌کرد (Ibn Khaldun, 2019).

## مصادیق امنیت در تمدن اسلامی

ایجاد شهرهای امن: در تمدن اسلامی، شهرهای امنی ساخته می‌شدند که در آن‌ها مردم می‌توانستند با خیالی آسوده زندگی کنند. این شهرها دارای دیوارها، دروازه‌ها و گاردهای امنیتی بودند و از ورود افراد ناشناس به داخل شهر جلوگیری می‌شد (Moghadasi, 1982). برقراری امنیت در جاده‌ها: در تمدن اسلامی، امنیت در جاده‌ها نیز برقرار بود و مسافران می‌توانستند بدون هیچ مشکلی در جاده‌ها سفر کنند. برای این منظور، در طول جاده‌ها، کاروانسراها و پاسگاه‌های انتظامی احداث شده بود (Ibn Battuta, 1988). تامین امنیت زائران: در تمدن اسلامی، امنیت زائران اماکن مقدس نیز تامین می‌شد. برای این منظور، در مسیرهای منتهی به اماکن مقدس، کاروانسراها و پاسگاه‌های انتظامی احداث شده بود و زائران می‌توانستند با خیالی آسوده به زیارت اماکن مقدس بروند (Ibn Jubayr, 1988). تامین امنیت اقلیت‌های مذهبی: در تمدن اسلامی، امنیت اقلیت‌های مذهبی نیز تامین می‌شد. اقلیت‌های مذهبی، مانند یهودیان و مسیحیان، در پناه اسلام زندگی می‌کردند و می‌توانستند آزادانه به انجام مراسم مذهبی خود پردازند (Tabari, 2008). در نتیجه امنیت، یکی از نیازهای اساسی بشر در تمام دوران‌ها بوده است. در تمدن‌های مختلف، به مقوله امنیت توجه ویژه‌ای شده است. امنیت در تمدن اسلامی، ویژگی‌های خاص خود را داشت که آن را از سایر تمدن‌ها متمایز می‌کرد. این ویژگی‌ها عبارتند از: تأکید بر عدالت، تأکید بر نظم و نقش بیت المال. امنیت به عنوان یکی از شاخصه‌های مهم تمدن اسلامی بود و در سایه امنیت، مردم می‌توانستند با خیالی آسوده زندگی کنند و به فعالیت‌های اقتصادی، علمی و فرهنگی پردازند. این امر، به شکوفایی تمدن اسلامی در همه زمینه‌ها کمک کرد.

## ۵. آزادی

### آزادی در تمدن‌های مختلف: شباهت‌ها و تفاوت‌ها

مفهوم آزادی، از جمله مفاهیم پیچیده و ظریف در تاریخ بشر است. در طول تاریخ، تعاریف و برداشت‌های مختلفی از آزادی ارائه شده است و جوامع مختلف، در چارچوب‌های فرهنگی و سیاسی خود، به دنبال تحقق آزادی برای افراد بوده‌اند.

### آزادی در سایر تمدن‌ها

یونان باستان: در یونان باستان، مفهوم "دموکراسی" شکل گرفت که در آن، شهروندان آزاد در امور سیاسی جامعه مشارکت می‌کردند (Aristophanes, 2001); با این حال، این آزادی تنها شامل تعداد محدودی از افراد، مانند مردان ثروتمند و صاحب‌منصب، می‌شد و زنان، بردگان و اتباع خارجی از آن محروم بودند. امپراتوری روم: در امپراتوری روم، آزادی افراد تا حد زیادی توسط قدرت مطلق امپراتور محدود می‌شد. با این حال، رومیان از برخی آزادی‌های مدنی، مانند آزادی بیان و آزادی مذهب، برخوردار بودند (Cicero, 2005). قرون وسطی: در قرون وسطی، آزادی افراد تحت تأثیر قدرت کلیسا و فئودالیسم قرار داشت. کلیسا به عنوان نهادی قدرتمند، بر افکار و عقاید مردم نظارت می‌کرد و فئودال‌ها نیز از قدرت زیادی بر رعایای خود برخوردار بودند. با این حال، در این دوران نیز برخی از آزادی‌های فردی، مانند آزادی تشکیل انجمن و آزادی تجارت، به تدریج رواج پیدا کرد (Thomas, 2002).

### آزادی در تمدن اسلامی

آزادی در تمدن اسلامی، ویژگی‌های خاص خود را داشت که آن را از سایر تمدن‌ها متمایز می‌کرد. این ویژگی‌ها عبارتند از: تاکید بر آزادی معنوی: در اسلام، بر آزادی معنوی انسان تاکید زیادی شده است. انسان در اسلام، آزاد است که راه سعادت خود را انتخاب کند و برای رسیدن به کمال تلاش کند. قرآن کریم می‌فرماید: "لا اکراه فی الدین" (بقره / ۲۵۶) به معنای "هیچ اجباری در دین نیست" (قرآن کریم، ۲۰۲۵۶). تاکید بر آزادی مدنی: در اسلام، بر آزادی مدنی انسان نیز تاکید شده است. انسان در اسلام، از حقوق و آزادی‌های مختلفی، مانند حق حیات، حق آزادی بیان و حق مالکیت، برخوردار است (Ibn Khaldun, 2019). نقش عدالت: در اسلام، عدالت به عنوان یکی از ارکان آزادی شناخته می‌شود. زمانی که عدالت در جامعه برقرار باشد، همه افراد از حقوق و آزادی‌های خود به طور مساوی برخوردار خواهند بود (Tabari, 2008).

برای ساختن و پدید آوردن یک «تمدن اسلامی» که الگویی برای تمام تمدن‌ها باشد باید انسان این تمدن آزاد باشد و از آزادی کامل که تا مرز آزادی دیگران امتداد دارد بهره مند گردد و این چنین تمدنی قدرتش را از اراده و انتخاب آزادانه مردمان در پایبندی به قوانین منسجم و یکپارچه الهی گرفته است، پس می‌تواند قانونش را بر تمام دنیا صادر و مسلط نماید. اسلام ما را به رهایی از بند و زندگی تنگ و ناگوار فرا می‌خواند و به پویایی، رشد، حرکت و فعالیت در زندگی به همت بازوان، دیدگاه نافذ، اندیشه ژرف، ابداع و پیوستن به کاروان اکتشاف، کشف حقایق و رازهای جهان هستی ما را بر می‌انگیزد. از این روست که می‌بینیم قرآن وقتی به رسالت پیغمبر ما حضرت محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) اشاره می‌کند، بخش بزرگی از هدف برانگیختن پیغمبران و رسولان را در تحقق یافتن همین مطلب، یعنی برخورد باز با جهان و آرمان جویی و متحقق شدن آرمانهای والا در دنیا، معرفی می‌کند، قرآن سوره اعراف می‌فرماید: «... و یضع عنهم اصرهم و الاغلال الی کانت علیهم...». پیامبر آمد تا انسان را از آتش جاهلیت و پرستش بتهای سنگی که انعکاس تحجر عقول بشری بودند، رهایی دهد و نیز آن‌ها را از پرستش بتهای مادی و بشری برهاند که آزادی و رهایی از آن‌ها به معنی رهایی روح از اسارت ماده و حرکت آن در آفاق معنوی توحید است،

که در آزادی و استقلال، خیر و صلح تجلی می‌یابد (مدرسی، ۱۳۷۹، ۲۰۱). به نظر نگارنده با توجه به اینکه دو بحث «آزادی» و «امنیت» با هم ارتباط داشته و در موارد بسیاری با هم پیوند می‌خورند و همانگونه که توضیح داده شد، می‌توانند همدیگر را تقویت و حمایت نمایند، بنابراین از مهمترین عناصر تمدن سازی اسلامی که در عصر حاضر باید مورد توجه بیشتری قرار گیرند موضوع امنیت و آزادی افراد جامعه است که خود نشانی از وجود یک تمدن قوی و ریشه دار است و تمدن قدرت مانایی و پویایی خود را از آن می‌گیرد و از سوی دیگر عدالت اجتماعی و برقراری آن، که از شاخصه‌های مهم تمدن اسلامی است، نیازمند به وجود و تقویت امنیت و آزادی در تمام ابعادشان برای افراد و جوامع می‌باشد.

## ۶. هنر پروری

هنر در لغت به معنای مهارت و توانایی در انجام کاری است. اما در معنای اصطلاحی، به آفرینش آثار زیبا و خلاقانه در قالب‌های مختلف مانند نقاشی، مجسمه‌سازی، موسیقی، ادبیات و... گفته می‌شود. هنر می‌تواند تجلی‌بخش افکار، احساسات، باورها و ارزش‌های یک جامعه باشد (Dehkhoda, 1994). هنر در تمدن اسلامی نقش مهمی ایفا می‌کند. هنر اسلامی بر پایه آموزه‌های دینی و اخلاقی اسلام بنا شده است و در جهت ترویج این آموزه‌ها و ارزش‌ها به کار می‌رود. هنر اسلامی در طول تاریخ اسلام در اشکال مختلفی مانند معماری، خوشنویسی، نقاشی، شعر و... تجلی یافته است (Nasr, 2008). هنر یکی از شاخصه‌های مهم تمدن‌ساز است. هنر می‌تواند به شکوفایی فرهنگ، خلاقیت و نوآوری در یک جامعه کمک کند. همچنین، هنر می‌تواند به عنوان ابزاری برای دیپلماسی فرهنگی و گفتگوی بین تمدن‌ها مورد استفاده قرار گیرد (Toynbee, 1969). هنر در تمدن سازی اسلامی جایگاهی ویژه دارد. هنر اسلامی در طول تاریخ اسلام به عنوان ابزاری برای ترویج آموزه‌های دینی، حفظ هویت اسلامی و شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی به کار رفته است (Safa, 2009). هنر در اقسام مختلف از قبیل: (هنر معماری اسلامی، شعر، کتابت و خطاطی) در تمدن سازی موثر بوده است:

الف) هنر معماری اسلامی: هنر معماری اسلامی از جمله هنرهای شاخص و بارز در تمدن اسلامی است. این هنر بر پایه اصول و آموزه‌های دینی اسلام بنا شده است و در آن از تزئینات و نقوش هندسی و اسلیمی به وفور استفاده می‌شود. از جمله نمونه‌های برجسته هنر معماری اسلامی می‌توان به مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجد جامع اصفهان و کاخ الحمرا اشاره کرد (Hojjat, 2009). ب) کتابت و خطاطی: کتابت و خطاطی از جمله هنرهای ظریف و ارزشمند در تمدن اسلامی است. خطاطان مسلمان در طول تاریخ با ظرافت و مهارت فوق‌العاده‌ای به کتابت قرآن کریم، احادیث و اشعار می‌پرداختند. از جمله خطوط رایج در خطاطی اسلامی می‌توان به خط کوفی، نسخ، ثلث و نستعلیق اشاره کرد (Safa, 2009). ج) شعر: شعر یکی از قدیمی‌ترین و محبوب‌ترین هنرها در میان جوامع مختلف است. شعر در تمدن اسلامی نیز جایگاهی ویژه دارد و شاعران مسلمان در طول تاریخ آثار ارزشمندی خلق کرده‌اند. شعر اسلامی به لحاظ مضمون و محتوا تنوع زیادی دارد و از جمله مضامین رایج در آن می‌توان به مدح و ثنای الهی، ستایش پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام)، وصف طبیعت، عشق و عاطفه، حماسه و پند و اندرز اشاره کرد (Riahi, 2008).

شعر نوعی بیان هنری است که در آن از کلمات به گونه‌ای خاص برای خلق زیبایی، بیان احساسات و اندیشه‌ها و برانگیختن عواطف مخاطب استفاده می‌شود. شعر از طریق استفاده از عناصر ادبی مانند قافیه، ردیف، تشبیه، استعاره و... به مخاطب القا معنا می‌کند (Riahi, 2008). شعر اسلامی بر پایه آموزه‌های دینی اسلام بنا شده است و در آن از مضامین و مفاهیم اسلامی مانند توحید، نبوت، معاد، عدالت و اخلاق استفاده می‌شود (Nasr, 2008). از جمله ویژگی‌های بارز شعر اسلامی می‌توان به تعهد به آموزه‌های دینی، التزام به اخلاق اسلامی، استفاده

از زبان فاخر و معیار، توجه به مضامین معنوی و عرفانی و بهره‌گیری از عناصر ادبی غنی اشاره کرد (Safa, 2009). شعر در طول تاریخ از تحولات و دگرگونی‌های متعددی عبور کرده است. در دوره‌های مختلف تاریخی، شاعران از مضامین و سبک‌های متفاوتی در شعر خود استفاده می‌کردند (ریاحی، ۱۳۸۷، ۵۲). از جمله مهم‌ترین تحولات شعر در طول تاریخ می‌توان به ظهور مکاتب ادبی مختلف مانند خراسانی، عراقی، آذربایجانی و اصفهانی، توجه به مضامین عاشقانه و عارفانه در شعر و استفاده از زبان عامیانه (Safa, 2009). بنابراین هنر در جامعه اسلامی باید بتواند برای نقش‌آفرینی موثر در تمدن‌سازی، نگاه زیباشناسی مردم جهان را تغییر داده و به سمت زیبایی‌های حقیقی سوق دهد و تلقی‌های اشتباه مردم را از واژه‌ها و مفاهیم انسانی و دینی تغییر دهد تا این تغییر بستری می‌شود برای تحول جهانی و رسیدن به تمدن نوین اسلامی.

#### ۷. تبلیغات

از آنجا که اسلام نیاز به معرفی دارد، تبلیغات اسلامی روشی برای معرفی اسلام به مردم جهان است (Motahari, 1996). تبلیغات می‌تواند نقشی در ترویج ارزش‌ها، باورها و هنجارهای یک تمدن داشته باشد (Jawadi Amoli, 2015). همچنین، تبلیغات می‌تواند به عنوان ابزاری برای آگاهی‌رسانی، آموزش و ترویج علم و دانش مورد استفاده قرار گیرد (Makarem Shirazi, 2016). نقش تبلیغات در تمدن‌سازی: با توجه به اینکه تمدن به مجموعه‌ای از دستاوردهای مادی و معنوی یک جامعه گفته می‌شود یا به مرحله‌ای از پیشرفت اجتماعی و فرهنگی گفته می‌شود که در آن انسان‌ها به سطح بالایی از دانش، هنر، اخلاق و رفاه دست یافته‌اند (Motahari, 1996)، می‌توان گفت که تبلیغات اسلامی می‌تواند نقشی در تمدن‌سازی داشته باشد. از این نظر می‌توان گفت: تبلیغ اسلام و آموزه‌های آن یکی از مولفه‌های مهم تمدن اسلامی است. تمدن اسلامی بدون تبلیغات نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد و گسترش یابد (Jawadi Amoli, 2015).

#### مصادیق تبلیغات اسلامی

در مورد مصادیق تبلیغات اسلامی و چگونگی انجام آن، بحث‌های زیادی وجود دارد. برخی معتقدند که تبلیغات اسلامی باید صرفاً به ترویج آموزه‌های دینی و اخلاقی بپردازد. در حالی که برخی دیگر معتقدند که تبلیغات اسلامی باید به مسائل روز جامعه نیز بپردازد و در جهت حل مشکلات مردم گام بردارد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷). برخی از مصادیق تبلیغات اسلامی عبارتند از: معرفی اسلام و آموزه‌های آن به مردم جهان (Motahari, 1996) ترویج اخلاق و ارزش‌های اسلامی در جامعه (Jawadi Amoli, 2015) پاسخگویی به شبهات و شبهه افکنی‌ها (Makarem Shirazi, 2016) تقویت وحدت و همبستگی مسلمانان (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷) تبلیغات اسلامی به تنهایی نمی‌تواند تمدن‌سازی کند. برای تمدن‌سازی، علاوه بر تبلیغات، به اقدامات عملی در زمینه‌های مختلف مانند علم و دانش، اقتصاد، سیاست و فرهنگ نیز نیاز است (Motahari, 1996). معرفی چهره‌ی واقعی دین مبین اسلام و ارزش‌های انسانی آن که شالوده و اساس تمدن اسلامی است از مهمترین عناصر تمدن‌سازی است که شاید در سال‌های اخیر مورد توجه اندیشمندان و صاحب نظران اسلامی قرار گرفته است. با توجه به اینکه از شاخصه‌های مهم تمدن اسلامی، شمول‌پذیری آن است، پس انجام تبلیغات و استفاده از روش‌های نوین و مناسب تبلیغاتی در عصر نوین ارتباطات به منظور معرفی و فراگیری تمدن اسلامی در سطح جهانی، بیش از گذشته ضرورت پیدا می‌کند. سیره اولیای الهی و پیامبران در مسئله تبلیغ که گاهی به شکل آشکار و گاهی پنهان در دوره‌های مختلف انجام می‌دهند نشان از اهمیت و اولویت تبلیغ دین توسط آنان دارد. پیامبران الهی در مقابل کفار و مشرکان و اهل نفاق از انواع تهدیدها، تطمیع‌ها، آزارها و شکنجه‌های جسمی و روانی، تحقیرها،

اهانت‌ها و دسیسه‌ها در امان نبوده‌اند ولی با این حال لحظه‌ای در این مورد این وظیفه‌ی الهی دچار کوتاهی یا سهل‌انگاری نگردیده و با وجود تمام مشکلات و سختی‌ها امر رسالت و تبلیغ را به سرانجام مقصود رسانده‌اند. تبلیغ و ارشاد در دوران متمادی، گذشته از انواع و اقسام آن، در هر زمانی به کمک ابزارهای تبلیغاتی صورت می‌گیرد که متفاوت‌تر و پیشرفته‌تر از دوران قبلی خود هستند، مانند اینکه در یک دوره زمانی، خط و نقاشی، دوره دیگر رسانه‌های مکتوب و تصویری و در دوره دیگری ارتباطات دیجیتال و الکترونیکی از مهمترین ابزار تبلیغات هستند، بنابراین ابزارها و روش‌های تبلیغات در هر دوره متفاوت هستند، اما اخلاق و ارزش‌های انسانی حاکم بر استفاده از ابزارها در دوره‌های مختلف تغییر پیدا نکرده و تفاوتی با هم ندارند، از منظر دین و تمدن دینی روح انسان‌ها و هدف غایی از خلقت آن‌ها در تمام دوران تا روز ابدیت یکسان و ثابت است و انسان عصر باستان با انسان عصر مدرنیته از منظر دین همان انسانی هستند که می‌توانند به کمال متعالی خود نائل آمده و همه دارای کرامت هستند. بنا براین به منظور بکارگیری روش‌های کارآمد و اخلاق محور در تبلیغات و آگاهی از روش‌های استفاده از ابزار تبلیغات در جریان تمدن‌سازی نوین اسلامی با استفاده از آیات قرآن کریم و سخنان نهج البلاغه می‌توان به سیره‌ی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به عنوان بنیان‌گذار تمدن بزرگ اسلامی مراجعه نمود و با الگوگیری و تطبیق روش‌های تبلیغاتی آن حضرت بر شرایط زندگی بشر در عصر جدید، توجهات جهانی را به تمدن اسلامی معطوف نمود. در عصر حاضر، برای احیای تمدن نوین اسلامی و تمدن‌سازی در این مسیر، باید به عناصر کلیدی ذیل توجه کرد: ترویج آموزه‌های ناب اسلام و قرآن، تلاش برای عدالت و اخلاق‌مداری در جامعه، حمایت از علم و دانش و نوآوری، تقویت وحدت و همدلی بین مسلمانان، گفتگوی بین ادیان و فرهنگ‌ها، استفاده از ظرفیت‌های جوانان و بانوان. با اتکا به این عناصر و تلاش برای انطباق آموزه‌های اسلامی با نیازهای روز، می‌توان امیدوار بود که شاهد ظهور تمدن نوین اسلامی باشیم که مصداق رحمت و هدایت برای جهانیان باشد.

### نتیجه‌گیری

تمدن اسلامی با توجه و اشراف کامل بر جزئیات امور فردی و اجتماعی انسان‌ها، تنها تمدن جامع، کامل و پویایی است که تضمین‌کننده پیشرفت، سلامت و خوشبختی جوامع بشری در تمام ابعاد مادی و معنوی زندگی است. یافته‌های تحقیق حاضر عبارتند از: ۱. پژوهش و تولید علم: یکی از عناصر کلیدی تمدن‌سازی در اسلام، اهمیت دادن به علم و دانش است که در آیات قرآن و سیره نبوی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. پیشرفت علمی و فکری جامعه از عوامل اصلی رشد تمدن اسلامی به شمار می‌آید. ۲. تولید ثروت و سرمایه: رفاه و استقلال اقتصادی در تمدن اسلامی از اهمیت بالایی برخوردار است. توجه به اخلاق در کسب‌وکار و توزیع عادلانه ثروت از شاخصه‌های بارز در توسعه اقتصادی این تمدن است. ۳. صنعت گردشگری: گردشگری در تمدن اسلامی علاوه بر رشد اقتصادی، به تعاملات فرهنگی و معرفی تمدن اسلامی کمک می‌کند. ۴. تأمین امنیت: امنیت و عدالت از ارکان اصلی تمدن اسلامی محسوب می‌شود و توجه به حقوق و آزادی‌های عمومی از عناصر پایداری تمدن است. ۵. آزادی و عدالت اجتماعی: این دو اصل در تمدن اسلامی مورد توجه قرار دارد و هدف آن تأمین امنیت و آرامش افراد در جامعه است تا بتوانند در مسیر تعالی معنوی و اخلاقی گام بردارند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که تمدن اسلامی با تمرکز بر اصول انسانی و الهی، می‌تواند به عنوان الگویی برای تمدن‌های دیگر معرفی گردد.

لذا، با توجه به نتایج پژوهش:

۱. پیشنهاد می‌شود که پژوهندگان، چالش‌ها و موانع توسعه تمدن‌سازی اسلامی را با توجه به قرآن و منابع روایی مورد بررسی قرار دهند.

۲. پیشنهاد می‌گردد پژوهندگان الگوها و مدل‌های موجود آموزشی و تربیتی در تمدن نوین اسلامی را با استناد به قرآن کریم و سیره نبوی (صلی الله علیه و آله و سلم) مورد بررسی قرار دهند.

#### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

#### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

#### حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

### EXTENDED SUMMARY

The concept of Islamic civilization-building, as explored in this study, is deeply rooted in the principles of justice, ethics, and rationality. These principles aim to establish a society capable of addressing both material and spiritual needs, distinguishing Islamic civilization from others through its balanced approach to worldly and spiritual matters (Durant, 1991). The contemporary relevance of Islamic civilization is emphasized by drawing on the biography and practices of Prophet Muhammad (PBUH), whose life serves as a template for the creation and sustainment of a cohesive and dynamic society. The study employs a descriptive-analytical methodology, utilizing textual and documentary sources, including the Qur'an and Nahj al-Balagha, to identify key elements and characteristics of Islamic civilization in the modern era.

Civilization, as defined in Islamic discourse, encompasses the collective achievements of a society in material, intellectual, and spiritual domains (Zaydan, 1993). This multifaceted approach contrasts with narrow definitions focused solely on technological or economic advancement. In Islam, civilization is tied to divine principles, emphasizing human dignity and communal welfare. Early Islamic civilization thrived on this synthesis, integrating advancements in science, ethics, and governance to create a prosperous and equitable society (Ibn Khaldun, 2019).

Central to the Islamic civilizational ethos is the principle of "Tawhid" (monotheism), which acts as a unifying force. The Qur'an underscores this unity, stating, "Hold firmly to the rope of Allah all together and do not become divided" (Qur'an 3:103). This theological foundation fosters a sense of shared purpose, driving societal progress while avoiding fragmentation (Mostafavi, 1981). Prophet Muhammad's emphasis on social justice and ethical conduct further reinforced these ideals, promoting equity and accountability in governance (Jafari, 2019).

Islamic civilization has historically placed a high premium on the pursuit of knowledge, as evidenced by the early establishment of centers of learning, such as the House of Wisdom in Baghdad (Nasr, 2008). Knowledge is viewed not merely as a tool for personal development but as a means to uplift society collectively. The Qur'anic verse "Say, 'Are those who know equal to those who do not know?'" (Qur'an 39:9) underscores the centrality of education in Islamic thought.

This emphasis on knowledge fueled significant advancements in various fields, including medicine, astronomy, and mathematics. Figures like Ibn Sina and Al-Khwarizmi exemplify the synthesis of Islamic values and scientific inquiry, demonstrating how spiritual principles can coexist with empirical exploration (Hosseini, 2004). The study identifies knowledge production and



dissemination as vital elements for contemporary Islamic civilization, suggesting that fostering innovation while adhering to ethical guidelines can rejuvenate the Islamic world (Needham, 2001). The economic dimension of Islamic civilization is characterized by a balance between material prosperity and moral responsibility. The prohibition of usury (riba) and the emphasis on equitable wealth distribution through mechanisms like zakat and waqf exemplify this balance (Tabatabai, 1999). These principles aim to prevent socioeconomic disparities and promote communal welfare. Historically, Islamic civilization thrived on trade and commerce, facilitated by an extensive network of trade routes spanning the Middle East, Asia, and Africa. Islamic merchants adhered to ethical standards, prioritizing trust and fairness in transactions (Hosseini, 2004). This ethical framework remains relevant in contemporary economic systems, where financial practices can be reoriented to align with Islamic values, ensuring that economic growth contributes to broader societal well-being (Motahari, 1996).

Social welfare and justice form the ethical backbone of Islamic civilization. These principles ensure that all individuals, regardless of social status, can access basic needs and opportunities for growth (Velayati, 2017). The Qur'an and Prophet Muhammad's practices highlight the responsibility of individuals and governments to uphold these values, promoting societal harmony and reducing inequalities (Jafarian, 1999).

The study underscores the contemporary relevance of these principles, particularly in addressing modern challenges like poverty and marginalization. By adopting policies rooted in Islamic teachings, modern states can create equitable systems that resonate with both historical precedents and current societal demands (Makarem Shirazi, 2016).

Islamic civilization's cultural and artistic achievements reflect its emphasis on spirituality and aesthetics. From the intricate calligraphy of the Qur'an to architectural marvels like the Alhambra and the Dome of the Rock, Islamic art serves as a testament to the integration of faith and creativity. These artistic expressions are imbued with symbolism, often reflecting divine attributes and ethical values. Poetry and literature also hold a prominent place, with works by Rumi and Hafez illustrating the interplay of mysticism, philosophy, and artistry. These contributions not only enriched Islamic culture but also facilitated cross-cultural exchanges, showcasing the universality of Islamic values (Riahi, 2008).

Despite its rich legacy, Islamic civilization faces numerous challenges in the modern era, including political fragmentation, economic disparities, and cultural dilution. The study highlights the importance of unity among Muslim-majority countries, as emphasized by contemporary scholars like Imam Khomeini and Ayatollah Khamenei. Their teachings advocate for the revival of Islamic values as a means to counter external pressures and internal divisions (Jawadi Amoli, 2015).

Technological advancements present both opportunities and challenges. While technology can facilitate knowledge dissemination and economic growth, it also necessitates ethical oversight to prevent misuse. Islamic principles provide a robust framework for navigating these complexities, ensuring that progress aligns with moral and spiritual imperatives (Gholami, 2011).

The study concludes that the elements of Islamic civilization—rooted in justice, knowledge, economic ethics, and cultural expression—remain relevant in addressing contemporary challenges. By drawing on the teachings of the Qur'an and the practices of Prophet Muhammad, modern Islamic societies can build a cohesive and dynamic civilization that harmonizes material and spiritual needs.

The findings suggest that fostering unity among Muslim nations, promoting ethical scientific and economic practices, and reviving cultural heritage are critical steps toward this goal. As the study

emphasizes, the success of Islamic civilization in the modern era depends on its ability to adapt its timeless principles to contemporary contexts, ensuring their relevance and applicability

## References

- Amid, H. (2011). *Amid Persian Dictionary*. Amir Kabir Publications.
- Aristophanes. (2001). *The Comedies of Aristophanes*. Amir Kabir Publications.
- Cicero. (2005). *Philosophical Treatises*. Soroush Publications.
- Confucius. (1996). *The Thoughts of Confucius*. Amir Kabir Publications.
- Dehkhoda, A. A. (1994). *Dehkhoda Dictionary*. University of Tehran Press.
- Durant, W. (1991). *The Story of Civilization*. Islamic Revolution Educational Publications.
- Gholami, M. J. (2011). *The Role of Science in the Advancement of Islamic Civilization*. Quranic Sciences and Knowledge Research Institute.
- Herodotus of, H. (2004). *The History of Herodotus*. Amir Kabir Publications.
- Hojjat, Y. (2009). *Art and Architecture in Islam*. Soroush Publications.
- Hosseini, S. H. (2004). *The History of Islamic Civilization*. Amir Kabir Publications.
- Ibn Battuta, A. A. (1988). *The Travels of Ibn Battuta*. Amir Kabir Publications.
- Ibn Jubayr, M. i. A. (1988). *The Travels of Ibn Jubayr*. Amir Kabir Publications.
- Ibn Khaldun, A. a.-R. (2019). *The Muqaddimah of Ibn Khaldun*. Elmi va Farhangi Publications.
- Ibn Sina, A. A. (1999). *The Canon of Medicine*. University of Tehran Press.
- Jafari, M. T. (2019). *Translation and Interpretation of Nahj al-Balagha*. Office of Islamic Culture Publishing.
- Jafarian, R. (1999). *The History of Islamic Civilization*. Organization of Islamic Culture and Communication Publications.
- Jawadi Amoli, A. (2015). *Islamic Civilization*. Esra Institute.
- Jurr, K. (2000). *Larousse Dictionary*. Amir Kabir Publications.
- Khatami, S. M. (2004). *The Philosophy of Science in Islam*. Tebyan Institute.
- Makarem Shirazi, N. (2016). *Tafsir-e Nemuneh*. Dar al-Kitab al-Islamiyya.
- Moein, M. (2012). *Moein Dictionary*. Amir Kabir Publications.
- Moghadasi, A. A. M. (1982). *Ahsan al-Taqaqim fi Ma'rifat al-Aqalim*. Amir Kabir Publications.
- Mostafavi, H. (1981). *Al-Tahqiq fi Kalamat al-Quran al-Karim*. Translation and Publishing Bureau.
- Motahari, M. (1996). *An Introduction to Islamic Worldview*. Sadra Publications.
- Nasr, S. H. (2008). *The History of Islamic Civilization (Volume 1)*. Soroush Company.
- Needham, J. (2001). *Science and Civilization in Islam*. Amir Kabir Publications.
- Riahi, M. A. (2008). *Persian Poetry during the Mongol Era*. Ghatr Publishing.
- Safa, M. R. (2009). *The History of Calligraphy in Iran*. Academy of Arts.
- Tabari, M. i. J. (2008). *The History of Tabari*. Dar al-Turath al-Arabi.
- Tabatabai, S. M. H. (1999). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*. Islamic Publishing Office.
- Tacitus. (2006). *The Annals*. Amir Kabir Publications.
- Thomas, A. (2002). *A Treatise on Government*. Imam Khomeini University Press.
- Toynbee, A. (1969). *A Study of History*. Central Library of Tehran University.
- Velayati, A. A. (2017). *Islamic Culture and Civilization*. Ma'arif Publishing.
- Wajdi, F. (1940). *Islam in the Age of Knowledge*. Scientific and Central Bookstore Company.
- Zaydan, J. (1993). *The History of Islamic Civilization*. Amir Kabir Publications.